جناب آقا

**محمّد علی صبّاغ يزدی**

**هو اللّه**

و از جمله مهاجرين جناب آقا محمّد علی صبّاغ يزدی است \* اين شخص غيور در عنفوان شباب در عراق کشف حجاب نمود و پرده ارتياب بدريد از اوهام نجات يافت و بظلّ عنايت ربّ الارباب شتافت \* شخصی بود بظاهر بی‌سواد ولی در نهايت ذکاء و صادق الوداد بدلالت يکی از احباب بحضور مبارک شرف مثول يافت و در ميان اغيار معروف و مشهور گشت و در جوار بيت مبارک لانه و آشيانه نمود و صبح و شام بحضور مشرّف و ايّامی در نهايت سرور و فرح بسر ميبرد \*

تا آنکه موکب مبارک از بغداد بسمت اسلامبول حرکت کرد ملازم رکاب بود و از نار محبّت اللّه پر تب و تاب تا بمدينه قسطنطنيّه رسيديم \* چون دولت تکليف بسکون در ادرنه کرد آقا محمّد علی مذکور را بجهت تمشيت عبور و مرور احباب در قسطنطنيّه گذاشتيم و حرکت بارض سرّ شد \* اين شخص فريد و وحيد در عذاب شديد افتاد زيرا نه مونسی نه مجالسی نه آشنائی نه يار مهربانی

بعد از دو سال بادرنه آمد و در جوار الطاف مبارک پناه آورد به پيله وری مشغول شد \* چون دريای طغيان بجوش آمد و عوانان عرصه بر ياران تنگ نمودند او نيز داخل اسيران بود و در معيّت بقلعه عکا نفی شد \* مدّتی در سجن اعظم بود تا آنکه باراده مبارک بشهر صيدا رحلت کرد و در آنجا مشغول بکسب و تجارت شد گاهی بشرف حضور مثول می يافت و در شهر صيدا بسر ميبرد \* در اعمال و افعال در نهايت عزّت و اعتبار بود و سبب علويّت در اعين و انظار \* بعد از وقوع مصيبت کبری رجوع بعکا نمود و در جوار روضه مبارکه روحی لتربته الفدا مابقی حيات را بسر برد \* جميع ياران از او راضی و مقرّب درگاه کبريا به اين حالت بافق عزّت ابديّه شتافت و متعلّقين را بنار حسرت بگداخت مظهر الطاف بود و ممدوح الاوصاف قنوع و شکور بود و وقور و صبور \* عليه البهاء الابهی و انزل اللّه علی قبره طبقات النّور من السّماء قبر طيّبش در عکا است \*